

خجسته

در رنگی در حکایت
مَرکب های کربلا



سید علی اصغر علی

فهرست

۲۳	مقدمه
۴۲	اسب را زین کن!
۲۷	جایگاه بحث: ارتباط شناسی
۲۸	شناخت اسب ها برای شناخت بهتر کربلا
۳۰	ارتباط با پدیده ها
۱۳	پیامبر ما با درختان دوست بود. شما چند دوست درخت دارید؟!؟
۱۳	این درخت را بخوان تا با ریشه هایش از زمین گنده شده، جلو بیاید!
۳۴	حاشیه: از درخت و چاه تا اسب
۳۵	ای درخت! ای کلوخ! ای خاک! محمد رسول خدا! شما را درود می دهد!
۳۶	داستان درختی که در فراق پیامبر ناله زد و با پیامبر هم کلام شد
۴۱	سخن گفتن با مرکب
۴۲	داستان طرماح و اشعارش با مرکبش در مسیر کربلا
۴۴	داستان گفتگوی غلام حبیب با اسب حبیب!
۵۰	ماجرای نام گذاری مرکب ها
۳۵	ناز نفس اسب های به نفس افتاده! «وَالْعَادِيَاتُ ضَبْحًا»
۵۴	سوکند به اسبان دونده که (در میدان جهاد) نفسشان به شماره افتاد
۵۶	دم اسب هاشان گرم!
۵۶	ما بعد التحریر
۵۷	۲۵۰ مرکب کاروان امام حسین
۵۹	در اطراف خیمه مرکب های امام
۶۱	هوش و حافظه شگفت انگیز اسب ها
۶۵	اسب امام حسن علیه السلام : طاویه
۶۶	جنگ با قهرمان دشمن، ماردین صدیق (صدیق)
۶۸	به غنیمت گرفتن اسب تیز پای طاویه و کشتن مارد
۶۹	بردن طاویه پیش امام حسین علیه السلام
۷۰	اسب حضرت علی اکبر: عقاب
۷۰	کتابی از زبان اسب حضرت علی اکبر
۷۱	گفتگویی از روی دو اسب
۷۲	اسبی که راه را گم کرد...

- اسب حضرت قاسم
 دو نوع نگاه به یک اسب
 بر فرس تندرو هر که تورا دید گفت
 اسب امام حسین: ذوالجناح و مرتجز
 امام حسین نیز به اسبشان می‌رسیدند
 عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید
 مصرع امام، ابتدای گودال بوده است...
 نکته معرفتی برای فهم اسبان کربلا
 داستان اسب امام حسین در روز عاشورا
 اسب بی‌سوار
 پرسشی از اسب پدر
 وقتی دعای اسب امام مستجاب شد
 تمام اشعار شه‌ریار در ازای این بیت: ای فرس با تو چه رخ داده که خود
 باخت‌های؟
 سرنوشت ذوالجناح
 ندای تاریخی «زُر و انْصَرِف» و پاسخ اصحاب
 آیا عمامه، شمشیر و اسب امام حسین (علیه‌السلام) همان عمامه و شمشیر و اسب پیامبر
 بود؟
 اسب حضرت عباس
 عباس به اندازه همه میدان رفته است
 اسب حضرت عباس و حمل مجروحان و شهدا
 در نخلستان، اسب حضرت عباس مانور جنگی نداشته است
 تحلیل‌هایی از «دستگیری آب» حضرت عباس
 اسب‌های دشمن
 سلام بر اوایی که به فکر تشنگی مرکب‌های دشمن هم بود
 رؤیت لشکر حر
 حکایت سیراب کردن سربازان و اسبان‌شان
 فهرستی از ملعونان: زین‌گذارندگان و لجام‌زنندگان اسبان!
 ریشه آویختن نعل اسب برای شانس از کجاست؟
 نعل و شانس؟! در کجای تاریخ؟
 التعجب: خانواده‌هایی در شام با نام‌هایی ویژه
 مقتل: مَنْ يَتَدَبَّرُ لِلْحُسَيْنِ؟!
 دستوری قبل از عاشورا: بر سینه و پشتش اسب بتازان!
 بدن نازنین حسین (علیه‌السلام) پایمال اسب‌ها
 درس‌های تربیتی گودال قتلگاه
 چهل تا نعل...



درنگی در حکایت مَرکب های کربلا

- سلام بر بانویی که وقتی ندبه می کرد، اسبان مخالفان نیز طاقت شنیدن ناله اش را
نداشتند ۱۲۹
- از وحوش جا نمانید! ۱۳۰
- از داستان های شگفت ۱۳۱
- مابعد التحریر: به یاد کتوهای حرم ۱۳۳
- تاریخ نوشت: در سال ۶۸۵ میلادی، نه فقط اسبان که آسمان خون گریه کرد... ۱۳۴
- وقتی که نفرین امام را اسب، عملی می کند! ۱۳۷
- سرنوشت کسی که می خواست رکابش را پراز طلا و نقره کنند ۱۳۹
- مرکبی برای فرار! ۱۴۱
- شب را مرکب راهوار خود قرار دهید ۱۴۲
- حکایت فرار ضحاک بن عبدالله مشرقی ۱۴۳
- روضة های ناشناخته کربلا؛ غم های ناپیدای امام ۱۴۷
- آنگاه که امام برای کمک به فراری کربلا نگران مرکبش شد! ۱۴۸
- حتی اسبشان نیز ۱۵۱
- همه مرکب ها از کربلا سهمی بردند ۱۵۲
- هنوز عرق اسبشان خشک نشده وارد بهشت می شوند ۱۵۵
- گاو بی شعور نرفت؛ اما اسب نجیب و باهوش روی پیکرها دوید؟! ۱۵۶
- آخر چرا تو؟! ۱۵۹
- اسب را به رخ حسین می کشی؟! ۱۶۱
- اولویت خودت، نه اسبت: داستان عیبدالله بن حر جعفی ۱۶۲
- امام حسین: نه به خودت نیاز داریم و نه به اسبت! ۱۶۵
- هنگام درنگ: سخنی با عیبدالله بن حر ۱۶۷
- بی مرکب ها رسیدند، با مرکب ها جا ماندند ۱۶۹
- طِرمَاح جا ماند ولی... ۱۷۱
- کسی جاده خوبی می شناسد؟ ۱۷۱
- در قبال نصیحت طِرمَاح بن عدی ۱۷۲
- طِرمَاح اجازه می خواهد که به خانواده اش آذوقه برساند ۱۷۳
- طرمَاح جا ماند ولی مسلم بن کثیر اعرج (لنگ) رسید ۱۷۵
- شناسنامه مسلم بن کثیر اعرج ۱۷۵
- لنگ لنگان تا حسین ۱۷۶
- خودت را هر جور شده برسان حتی سینه خیز و چهار دست و پا روی برف و یخ! ۱۷۷
- به دنبال وسیله ای که تو را به امامت برساند ۱۷۹
- چرا الاغ پیامبر تند راه می رفت؟! ۱۸۰
- سوارکار پیر غلام ارباب! ۱۸۳

- ۱۸۵ برای رسیدن به امام، تشنگی اسبت را بهانه کن!
- ۱۸۸ تا آخرین نفس خودت واسبت!
- ۱۹۰ وصف عاشقان امام زمان: تبرک به زین اسب امام!
- ۱۹۰ حبّ به متعلقات محبوب
- نه تنها محبوب، بلکه متعلقات به محبوب را هم باید دوست داشت؛ محبت
- ۱۹۱ اشیاء و اشیاء محبوب
- ۱۹۲ محبت های انسان ساز
- ۱۹۳ بی احترامی به متعلقات محبوب عین بی احترامی به خود محبوب
- ۱۹۳ حفظ حرمت شعائرالله، از مصادیق محبت است
- ۱۹۴ نمونه هایی از شفاگرفتن از متعلقات ولی خدا
- ۱۹۵ حساسیت آیت الله قاضی
- ارادت به متعلقات محبوب مقام محبّ را بالا می برد
- ۱۹۵ هرکاری می توانی برای امامت بکن حتی بدون وسیله!
- ۱۹۷ بی وسیله، بی سلاح، با دست خالی اما دلی سرشار از عزم!
- ۱۹۹ سواره نظام ها، پیاده نظام ها
- ۲۰۴ این جا پیاده نظام هم می خواهد...
- ۲۰۶ پسر مهزیار: افسار اسبم را کجا بیندم؟!
- ۲۰۸ بهترین مرکب سلوک و سفر: مرکب عاشورا
- ۲۱۴ ترک زین امام بودن
- ۲۱۷ آقا! بیا! بفرما اسب!
- ۲۱۸ وقتی می گوئیم «اسب آماده کن»
- ۲۱۹ عزتی به پای به شم اسب های رزمنده تا موشک
- ۲۲۰ آخر یک کاری بکن! یک اسبی، یک شمشیری، یک تیری، یک نیزه ای!
- ۲۲۲ مثل «اسب عرب» باید کار کرد
- ۲۲۵ تیر خلاص: به اندازه یک اسب هم کار نکردیم!
- ۲۲۶ کتاب نامه
- ۲۲۷ قسمت پایانی
- ۲۳۴



مقدمه

اسب را زین کن!

چنانچه در طلوعه اثر «چای روضه دم»^۱ نیز اشاره شد، در کربلا نگاه‌ها، حرکات و همه نقش‌ها هوشمندانه و دقیق‌اند. در کربلا نیروی اضافی وجود ندارد. در کربلا هیچ‌کس اضافه نیست. عنصر زائد، اضافی، مزاحم و بی‌کار در کربلای ابا عبدالله وجود ندارد.^۲ به یک معنا در حادثه عاشورا هیچ چیز بی‌دلیل و بی‌معنا نیست.^۳ به همان نسبت در «هیئت» که شعاعی از حقیقت کربلای ۶۱ هجری است، این تأمل شایسته است. پدیده‌های اصیل هیئتی، اگر به سخن آیند و پرده از خلوت‌گاه رازناک و رمزآلود خویش بردارند، ما را به شگفتی و شیفتگی بیشتری خواهند رساند.

معارف عاشورایی که نفسی سرسفره امام حسین نشسته‌اند، از این ملکوت سرشارند، چراکه اولیای الهی به‌ویژه امام حسین آن‌قدر گستره وجودی دارند که جا دارد اگر هر روز به معرفتی تازه از آن‌ها برسیم، بگوییم انکار امام حسین را نمی‌شناختیم و اصلاً جا دارد هر روز به این معرفت برسیم و این سخن را تکرار کنیم، هرچند کربلا را تکرار نیست و هرچه هست، از برکات خزائن آیه «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»^۴ است. در

۱. کتابی از مجموعه عاشورایی «زیر خیمه حسین (علیه السلام)»، نشر سدید

۲. آینه‌داران آفتاب، ص ۹۸

۳. آینه در کربلاست، ص ۵۸۱

۴. الرحمن، ۲۹

«میدان»ی که قدمتی به قدمت عصر قبل از آدم دارد و روزگاری پای منبر معارف عاشورایی نشسته است، باید دقیق‌تر نگریست. تک‌تک عناصر این پدیده نازنین هستی، لبریز سخن است و «حکایت مرکب‌ها» را نیز شأنی است!

چندین سال پیش که در اردوی راهیان نور در میان جمع باصفای دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) برای بحثی در یکی از یادمان‌ها دعوت شده بودم؛ بنا شد به فراخور شب عید، سخنرانی هم معرفی باشد و هم البته بانشاط و جذاب! و چنین شد که موضوع بحث آن شب به یادماندنی «تبارشناسی اسبان در کربلا» شد؛ موضوعی «آشنایی‌زدایانه»^۱ که در نگاه اول غریب می‌نمود، اما به اذعان رفقای اردو یکی از ماندگارترین مباحث آن سفر شد...

آری! در کربلا همه چیز می‌توان یافت، عاشورا برای هر پرسشی پاسخی درخور دارد. این جا همه چیز سرشار گفتن است اگر به زبان آید که آن زبان هست اما فرصتی باید پیدا کند تا راز بازگوید، آن چنان‌که «چای روضه‌دم»^۲ ش، «گنبد مستجاب» و یا «ضریح قدیمی»^۳ ش لبریز حرف‌های شنیدنی بودند. شناخت «اصحاب» ش به جای خود، شناخت «دشمنان» ش هم به کنار، این جا «مرکب»‌ها هم مالا مال از حرف‌اند...

سید علی اصغر علوی

دارالعباده و دارالعلم یزد

بهار و تابستان ۱۳۹۵

۱. وام گرفته از مبحث «آشنایی‌زدایی» از تقریرهای سال‌های دور دکتر احمد پاکتچی

۲. اشارتی به برخی عناوین کتب مجموعه عاشورایی زیر خیمه حسین (ع) چای روضه‌دم، ضریح

قدیمی، گنبد مستجاب... نشر سدید



حال خوش بعد از اربعین در فرصت بارش‌های برگ و باران پاییزی،
مجال بارش تأملات و اندیشه‌هایی شد برای تقویت بیشتر اثر. الحمدلله
علی هذه النعمات.

سپاس و خداقوتی هم برای هرکس که به خاطر این اثریکی دوانید
و پیامی رساند! خصوصاً آقایان دکتر علی عبدالله‌زاده، محمدجواد زارع
رشکوئی، دکتر حمید درویشی، حاج حسین براتی و عزیزان مؤسسه
سدید که برای نسخه خوانی و ویراستاری و طراحی و صفحه‌آرایی و نشر
این اثر صمیمانه کوشیدند.

پاییز ۱۳۹۷